

# آن روزی که بدر جبهه ملی کاشته شد

نوشته دکتر پرویز ورجاوند



سیدضیاءالدین طباطبایی، مصدق نخستین گامش را با مخالفت با اعتبارنامه او برداشت

با فرا رسیدن روز اول آبان ۱۳۷۸ پنجاه سال از تشکیل جبهه ملی ایران که به اعتباری بزرگترین و تواناترین جریان سیاسی ملی دوران معاصر ایران به شمار می آید، گذشت. جریان سیاسی که بزرگترین نقش را در نهضت ضداستعماری ملت ایران و خیزش دنیای شرق در برابر سلطه گران و قدرتهای استعماری برعهده داشت.

سخن گفتن درباره ابعاد گوناگون اهمیت و نقش این جریان سیاسی و رهبر آن دکتر مصدق در تحول اوضاع ایران و دگرگونیهای چشمگیر مشرق زمین، فضایی به شدت متفاوت با فضای حاکم بر روزنامهها و نشریههای امروز ایران را می طلبد. من می دانم که چاپ همین نوشته کوتاه که برای نوشتن هر جمله اش کوشیده ام تا با خود سانسوری شدید ترکیبی برای آن به وجود آورم که انحصارطلبان را توان شنیدن آن باشد و نشریه و گردانندگانش را به سرنوشت جامعه، نشاط، سلام و خرداد دچار نسازد، تا چه حد برای سردبیر و مدیر مسئول شهامت می طلبد.

من نه به عنوان یکی از سربازان این جریان سیاسی از زمان شکل گیری آن تا به امروز، که به عنوان یک پژوهشگر درباره تاریخ معاصر ایران لازم می دانستم تا نسل جوان کشور را با زمینه هایی که منجر به ایجاد چنین جریانی شد، آشنا سازم. امیدوارم که نوشته مزبور به زودی امکان انتشار یابد و در اختیار ملت ایران قرار بگیرد. در آن نوشته کوشیده ام تا با نگاهی کلی به تاریخ دوران قاجار و نفوذ حضور مستمر دو قدرت استعماری انگلستان و روسیه تزاری و نقشه های شوم آنها در تجزیه و تکه پاره کردن ایران بزرگ و از توان انداختن قدرت تولید ملی و فلج کردن ساختار مدیریت مستقل کشور، نشان بدهم که نهضت ملی ایران به رهبری جبهه ملی و پیشوایی دکتر مصدق پدیده ای بود که ریشه در تاریخ ایران داشت و واکنشی بود برای دگرگون ساختن اوضاع و روندی که از دوران فتحعلی شاه تا پایان سلطنت رضاشاه بر ایران تحمیل و موجبات تحقیر ملتی صاحب اعتبار و صاحب فرهنگ را فراهم ساخته بود.

حمله نیروهای تجاوزگر انگلیس و اتحاد شوروی در شهریور ۱۳۲۰ به ایران و اشغال برق آسای کشور با کمترین مقاومت از سوی ارتش رضاشاه که نشانه نبود اعتقاد در فرماندهان بالا و حاکمیت جو خفقان و دیکتاتوری در کشور بود، ضربه ای شدید بر روحیه ملت ایران وارد کرد. در جریان جنگ دوم جهانی، تاریخ شاهد مقاومت های ملت های کوچکی است که به دلیل پیوند میان ملت و دولت با توانمندی در برابر قدرت های سرکوبگر ایستادند و از استقلال و حیثیت خویش دفاع کردند و دست بسته تسلیم نشدند.

## فضای ایران بعد از شهریور ۲۰

تسلیم بدون شرط ایران به متفقین، آشفتگی رضاشاه و به دست و پا افتادن او برای نجات خویش، فرار مسئولان و فرماندهان و مأموران دولت از شهرها و سلطه اشغالگران بر زندگی و مال و جان مردم، بیرون راندن خفت بار رضاشاه از کشور، تلاش اشغالگران برای تغییر حکومت از پادشاهی به جمهوری و به حساب نیاوردن خواسته ملت، همه و همه ضربه های سختی بود که یکی بعد از دیگری بر روحیه مردم وارد شد

و ملت ایران این همه را حاصل سلطه استعمار از یک سو و حاصل رژیم استبدادی و اختناق از سوی دیگر می دانست.

با فروپاشی سلطنت دیکتاتوری رضاشاه، جو جامعه دگرگون گشت و با برداشتن محدودیت و سانسور (به جز آنچه که با منافع اشغالگران ارتباط می یافت)، روزنامه ها و نشریه های فراوانی انتشار یافت که از طیف انتقادکننده تا هتاک و پاره ای موارد باجگیر را در برمی گرفت. با آنکه به اعتباری تعداد نشریه های انتشار یافته بعد از شهریور ۱۳۲۰ به چند صد رسید، ولی جز در موارد استثنایی، آنها نتوانستند به رشد جامعه و بالا بردن سطح شناخت مردم و نشان دادن راه های اساسی برای برون شدن از بحران، خدمتی درخور انجام دهند، بلکه در بسیاری موارد بر آشفتگی ها افزودند. حمله شدید به رضاشاه و دوران دیکتاتوری، عقده های بسیاری را گشود ولی در عمل نتوانست تأثیری مثبت بر روند تحول جامعه بگذارد. چهره های شناخته شده ای چون علی دشتی، امیرنصرت اسکندری، مهدی نمازی، معدل، دکتر طاهری و... از یکسو و حزب توده با حمایت علنی روس ها از سوی دیگر یکه تاز میدان شدند.

کنار رفتن فروغی، روی کار آمدن سهیلی، سپس قوام السلطنه هیچ یک نتوانست آشفتگی ها را سامان ببخشد. روزیبه روز بر اثر غارت نیروهای متفقین و برخورد تجاوزگرانه آنها، مردم با فقر شدیدتری روبه رو می شدند و در بیشتر سفره ها نان سیاه پُرشن سیلو تنها غذای مردم بود. همه چیز جیره بندی شد، با آمدن سیل مهاجران لهستانی بیماری های واگیردار و از جمله تیفوس سلامت مردم را به شدت به خطر انداخت. با انجام انتخابات پرحنجال مجلس چهاردهم و افتتاح آن در ششم اسفند ۱۳۲۲ به اعتباری فصلی تازه در تاریخ ایران گشوده شد. حضور چشم گیر ۷۰ نماینده جدید از ۱۲۸ نماینده، ترکیب تازه ای به این مجلس بخشید که با دوره سیزدهم و مجلس های دوران رضاشاهی اختلاف بسیار داشت. نمایندگان که دیگر از قدرت دیکتاتور ترسی به دل راه نمی دادند با انجام سخنرانی ها و اعتراض ها تا مرز جنجال و تشتت شدید پیش می رفتند. طرفداران انگلیس و روس (شوروی)

از علی دشتی، سیدمحمدصادق طباطبایی، دکتر ظاهری گرفته تا دکتر کشاورز، دست به تشکیل چند فراکسیون زدند تا قدرت مانور بیشتری پیدا کنند. حضور دکتر مصدق در مجلس چهاردهم بسیاری از معادلات را به هم ریخت. او با نفوذی که در میان مردم داشت و اقبالی که جامعه به او ابراز می‌کرد، توانست حرکتی را در این مجلس به وجود آورد که هر دو گروه را به شدت با مشکل روبه‌رو کرد. شخصیت بارز ملی دکتر مصدق سبب شد تا قوی‌ترین فراکسیون مربوط به منفردین با شرکت چهره‌هایی چون، سالار سعید سنندجی، شهاب فردوس، محمد حسین قشقایی، دکتر عبده، دکتر عبدالله معظمی، کشاورز صدر، مهندس فریور و... گرد او سامان بیابد. دکتر مصدق نخستین گامش را با مخالفت با اعتبارنامه سیدضیاء برداشت و کوشید تا با حمله شدید به او جناح انگلیسی مجلس را از یکه‌تازی باز بدارد.

نفت:

حرکت اساسی دکتر مصدق مربوط به قرارداد نفت بود. حرکتی که هوشمندانه پایه‌های طرح ملی شدن صنعت نفت را استوار می‌ساخت. در دولت سهیلی نخستین گام‌ها از سوی متفقین برای دست‌اندازی بر روی منابع نفتی ایران برداشته شد. نمایندگان از سوی شرکت انگلیسی شل (شرکتی که بار دیگر می‌رود تا در این روزها قدرت خود را در صنعت نفت ایران تثبیت کند) استناد دارد و اکيوم و سینکالر آمریکا برای کسب امتیاز روانه ایران شدند. در پی آنها روسیه شوروی نیز که بخش عمده‌ای از ایران را در اشغال داشت فرصت را برای به دست آوردن امتیاز نفت در بخش‌های شمالی ایران مناسب دانست و سرانجام در ۲۴ شهریور ۱۳۲۳ کافتارادزه معاون وزارت خارجه شوروی و همراهانش به ایران وارد شدند. کافتارادزه در مصاحبه با روزنامه اطلاعات از موضع قدرت و سلطه سخن گفت باشد که دولت را وادار به تسلیم به خواست‌های شوروی کند.

او اشاره کرد که کارشناسان نفتی شوروی از هر نظر بررسی‌های لازم را در منطقه موردنظر انجام داده‌اند (بدون آنکه از دولت ایران کسب اجازه کرده باشند) و اطلاعات لازم در مورد منابع نفتی بدست آورده‌اند و بر آن اساس دولت شوروی از دولت ایران می‌خواهد تا با واگذاری حق «کشف و استخراج نفت در مناطق شمالی» به آن دولت موافقت کند. حزب توده نیز با تمامی نیرو به یاری

روس‌ها آمد و بای‌پروایی در پنجم آبان‌ماه یک راهپیمایی را در حمایت از واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی برپا کرد.

## طرفداران انگلیس و شوروی دست به تشکیل چند فراکسیون در مجلس زدند تا قدرت مانور بیشتری پیدا کنند ولی حضور مصدق در مجلس چهاردهم معادلات آنها را برهم زد

در چنین شرایطی است که چهره‌های ملی پایه میدان می‌گذارند تا با موضع‌گیری‌های خود در برابر وابستگان به سیاست روس و انگلیس، موجبات شکل‌گیری یک جریان سیاسی ملی را که سال‌ها بعد با نام جبهه ملی (۱۳۲۸) حضورش را اعلام داشت فراهم آورند. کافتارادزه که نگران مخالفت‌های روزنامه‌نگاران با امتیاز نفت شمال بود، ترتیبی داد تا وابسته مطبوعاتی سفارت شوروی با روزنامه‌نگاران ملاقات کند و با دادن کمک‌های مختلف از جمله کاغذ، آنها را در آن شرایط از موضع‌گیری باز دارد. این کار درباره جمعی از روزنامه‌های فرصت‌طلب نتیجه‌بخش بود. ولی دو روزنامه‌نگار دیگر یعنی دکتر حسین فاطمی و دکتر جلالی نائینی زیربار نرفتند و روز بعد از ملاقات وابسته مطبوعاتی با آنها، یکی در باختر امروز و دیگری در روزنامه کشور با عنوان‌های: «برای آقای کافتارادزه ترجمه کنید» و «آقای کافتارادزه تشریف ببرید» به شدت به قرارداد

مورد نظر شوروی حمله کردند و افکار عمومی را به هیجان آوردند. روزنامه‌های وابسته به حزب توده کوشیدند تا با حمله به مخالفان قرارداد و زدن برچسب حمایت از آلمان و فاشیسم، همه را مرعوب کنند. شیوه‌ای که در تمامی طول دوران حضور حزب توده در صحنه مبارزه لحظه‌ای از آن روی‌گردان نبوده و چون نشریات وابسته به انحصارطلبان امروز از زدن هرگونه انگ، تهمت و افتزایی به مخالفان خود دریغ نکرده است.

در چنین شرایطی که با توجه به حمایت بی‌چون و چرای ارتش سرخ از حزب توده، ادامه اینگونه جوسازی می‌توانست بسیاری را از میدان مخالفت با درخواست شوروی دور بسازد، دکتر فاطمی با توانایی در سرمقاله یازده آبان‌ماه ۱۳۲۳ باختر امروز به حزب توده هشدار داد و نوشت: «... هرکس با شما در جریانات حساس موافقت نکرد کافر حربی نیست، فاشیست هم نخواهد شد، به عقاید پاک احترام بگذارید، با خبط و خطا باند سیاه بیست ساله را تقویت نکنید که همین‌طور از وحشت شما با عجله به قهقرا قدم بردارند و به دیوار ارتجاع تکیه دهند. این رفتار شما برای ملت و مملکت، خطر بسیار دارد از تعقیب این رویه منصرف شوید...»

### نظریه موازنه منفی

دکتر مصدق در جلسه هفتم آبان‌ماه ۱۳۲۳ طی یک سخنرانی جامع و روشن کردن لطمه‌هایی که ایران از قرارداد داری و سپس تمدید قرارداد در زمان رضاشاه خورده است با واگذاری امتیاز نفت شمال به اتحاد شوروی مخالفت کرد. او در این سخنرانی نظریه «موازنه منفی در سیاست خارجی ایران» و ندادن هیچ‌گونه امتیازی به دولت‌های خارجی را مطرح کرد و در ضمن آن یادآور شد که برای دستیابی به توازن سیاسی در کشور، ایجاب می‌کند تا انتخابات آزاد در کشور به مرحله اجرا در بیاید. دکتر مصدق با هوشمندی هرگاه که در برابر نفوذ و سلطه بیگانگان موضع می‌گرفت، به درستی به موضوع لزوم استقرار حاکمیت ملی از راه انجام انتخابات آزاد و متکی به شناخت و شعور مردم و با سوادان توجه می‌داد. سخنان مصدق هم در مجلس و هم در جامعه بازتابی گسترده داشت، از این‌رو مصدق موقع را برای به تصویب رسانیدن طرحی که می‌توان آن را خشت اصلی ملی شدن صنعت نفت به شمار آورد، مناسب دید. از این رو در جلسه یازدهم آذرماه زمانی که برنامه دولت بیات مطرح شد، برای آنکه به

گفت و شنود درباره واگذاری امتیاز نفت شمال به روس‌ها و نفت دیگر نقاط و از جمله شرق ایران به انگلیس‌ها و آمریکایی‌ها برای همیشه پایان ببخشد. در پی یادآوری لطمه‌هایی که ایران از قرارداد نفت جنوب خورده است، طرح منع مقام‌های دولتی را درباره انجام هرگونه مذاکره و بستن قرارداد مربوط به امتیاز نفت با هر دولت و یا شرکت خارجی را تقدیم کرد.

چهره‌هایی چون سیدمحمدصادق طباطبایی از راست و دکتر رادمنش، دکتر کشاورز و ایرج اسکندری از سوی حزب توده به شدت با آن مخالفت کردند ولی در همان جلسه طرح مزبور که یکی از چشم‌گیرترین اقدامات استقلال‌طلبانه و ضد سلطه دکتر مصدق به شمار می‌رود به تصویب رسید.

کافئاراداره در جلسه‌ای که در سفارت شوروی تشکیل شد و جمعی از نمایندگان مجلس در آن حضور داشتند به شدت به تصویب طرح دکتر مصدق حمله کرد و خواستار آن شد تا مجلس «با تجدیدنظر در این عمل اشتباه خود را ترمیم کند»! در برابر این برخورد وقیحانه برخی روزنامه‌ها به مقابله پرداختند ولی حزب توده و روزنامه‌های وابسته، همچنان در حمایت از خواست شوروی سخن می‌گفتند و به شدت دکتر مصدق را مورد حمله قرار می‌دادند.

دکتر مصدق نه تنها از میدان پا پس نکشید، بلکه مبارزه را در زمینه‌های مختلف ادامه داد. او در مجلس در برابر سهیلی و تدین نخست‌وزیر و وزیر کشور موضع گرفت و اعلام جرم کرد. زمانی که اکثریت مجلس به حمایت از آنها برخاستند با شجاعت گفت: «اینجا مجلس نیست دزدگاه است» و سپس جلسه را ترک کرد. بازار و دانشگاه به حمایتش برخاستند و روز ۱۵ اسفند گروهی پرشمار از مردم و به ویژه دانشجویان به خانه مصدق رفتند و او را به مجلس بازگرداندند. به این ترتیب دکتر مصدق به عنوان رهبر ملی در تمامی زمینه‌ها، هم صحنه نبرد در برابر تجاوزگران خارجی و هم عناصر هیأت حاکمه چهره‌ای منحصربه‌فرد بود که روزبه‌روز بر میزان اقبال مردم به او افزوده می‌شد.

سرانجام در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۴ جنگ جهانی دوم پایان یافت. در چنین شرایطی اوضاع ایران به شدت آشفته بود و در حالی که خطر تجزیه کشور را تهدید می‌کرد، کارچرخانان مجلس بر آن بودند تا دولتی دست‌نشانده را بر کرسی بنشانند. سرانجام کنفرانس پوتسدام در ۲۶ تیرماه که نقشی اساسی در سرنوشت جهان

داشت و می‌توانست در صورت بودن یک دولت توانا در کشور، به مسایل ایران و از جمله تخلیه کشور از قشون بیگانه و جبران خسارت‌های شدید بپردازد و تصمیمی در خور بگیرد، تشکیل یافت، بدون آن‌که نمایندگان از ایران خواست‌های این ملت را مطرح کنند. یک بار دیگر چون زمان پایان جنگ اول جهانی ایران از حضور مؤثر در جلسه‌ای که می‌توانست سرنوشت آن را در جهت مثبت قلم بزند به دلیل آشفتگی اوضاع و یکه‌تازی‌های عوامل وابسته به انگلیس چون سیدضیاء و وابستگان به شوروی چون حزب توده بازماند. روزنامه «قیام ایران» شرایط شوم آن زمان را چنین

## نهضت ملی

### پدیده‌ای بود که

### ریشه در تاریخ ایران

### داشت و واکنشی بود

### برای دگرگون کردن

### روندی که از دوران

### فتحعلی‌شاه تا پایان

### سلطنت رضاشاه بر

### ایران تحمیل شده

بود.

برمی‌شمارد: «... من واجب می‌دانم این نکته بر مردم ایران روشن شود که دنیای امروز اجازه نمی‌دهد بیگانگان به زور در امور ملل ضعیف و فهمیده مداخله کنند... آنچه می‌کنند فقط به

دست زمامداران نالایق و ناپاک همان ملت‌هاست، افسوس که قبیح اجنبی‌پرستی از نظر ما برداشت شده، تبلیغات مسموم خارجی‌ها چنان ما را مرعوب قدرت و نفوذ آنها کرده که تصور می‌کنیم سیاست و سیاستمداری یعنی نوکری روس و انگلیس...».

دکتر مصدق در چنان شرایطی بر آن بود که ضمن امید دادن به مردم و تشویق آنها به حضور در صحنه مبارزه، از ابعاد مختلف، چهره سیاه حاکمیت را به مردم نشان بدهد و با موضع‌گیری‌های شجاعانه‌اش آنها را بیش از پیش بی‌اعتبار بسازد و پایه‌های نهضتی نیرومند را استوار بگرداند. او معتقد بود که باید در یک روند معقول، شرایطی پدید آید که مردم شناختی مناسب نسبت به اوضاع و منافع ملی خویش پیدا کنند. او معتقد بود تا زمینه‌های لازم فراهم نگردد و آگاهی‌های لازم برای جامعه به وجود نیاید نمی‌توان دست بکار اقدامی مؤثر و همه‌جانبه شد.

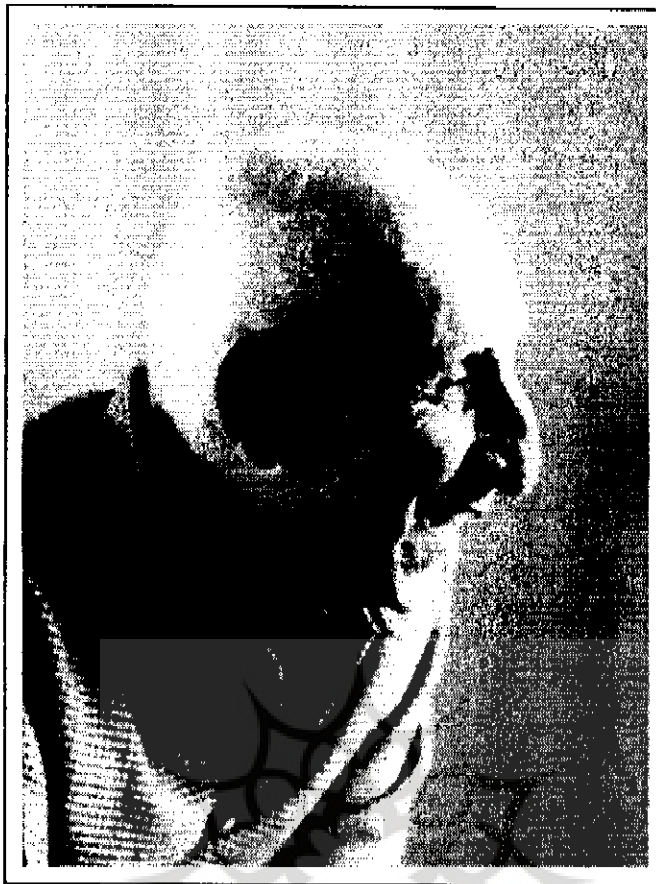
به همین دلیل بود که بعد از استعفای ساعد از نخست‌وزیری، در برابر مانور کارچرخانان انگلیسی مجلس که نسبت به نخست‌وزیری او ابراز تمایل کرده بودند، زیربار نخست‌وزیری نرفت، زیرا می‌دانست که با او رفتاری بهتر از ساعد و حکیم‌الملک و دیگران نخواهند کرد. از این رو برای آن‌که بتواند تریبون مجلس را در دست داشته باشد و به پیکار خود ادامه بدهد گفت: به شرطی نخست‌وزیری را می‌پذیرد که مجلس قبول کند چنانکه از نخست‌وزیری استعفا کرد بار دیگر به صحنه مجلس باز گردد. موضوعی که توطئه‌گران با آن موافقت نداشتند.

دکتر مصدق با هوشیاری نسبت به مجلس و انتخابات می‌نگریست و اصلاح قانون انتخابات و آزادی آن را اساس حرکت به سوی حکومت ملی می‌دانست.

او معتقد بود تا مجلسی آزاد و مرکب از نمایندگان واقعی مردم به وجود نیاید، نه می‌توان به کار برنامه‌ریزی اصولی پرداخت و نه می‌توان دولتی توانا و خدمتگزار داشت. از این رو هنگام طرح برنامه دولت حکیمی در مجلس اظهار داشت: «صحت انتخابات وقتی تأمین می‌شود که اشخاص باسواد رأی بدهند، اشخاص بی‌سواد عموماً آلت دست مالکین و کسان دیگرند. شرط سواد برای انتخاب‌کنندگان بهترین مشوق فرهنگ ماست...».

او در مجلس از خلافت‌کاری‌ها در بانک‌های

ملی و سپه پرده برداشت و نشان داد که برخی از نمایندگان و جمعی دیگر برای فعالیت‌های غیربازرگانی از بانک دلار گرفته‌اند و از تفاوت قیمت آن با بازار آزاد استفاده کرده‌اند. خواست تا یک کمیسیون ۵ نفره به بازرسی هر دو بانک بپردازد و در این زمینه گزارش لازم را به مجلس بدهد. تصور کنید که اگر امروز مرد مقتدری در مجلس شورای اسلامی پایه صحنه بگذارد و تقاضای تشکیل چنین کمیسیونی را بکند و بخواهد که با دقت به تمامی حساب‌های ارزی کشور رسیدگی شود چه خواهد شد. راستی چرا کسی جرأت طرح چنین مطلبی را نداشته است. آخر مگر ملت نباید از حساب و کتاب درآمد و هزینه خزانه خود باخبر باشد؟ آنهایی که سخن از «بیت‌المال» مردم می‌گویند چرا نمی‌خواهند گزارشی شفاف به مردم داده شود تا بیش از این شایعه حیف و میل شدن بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار بر سر زبان‌ها نباشد. راستی چرا؟



مبارزه دکتر مصدق و یارانش در مجلس با صدرا لاشراف که از مهره‌های به نام حاکمیت بود منجر به استعفای او شد. دکتر مصدق طی بیانیه‌ای ضمن سپاسگزاری از نمایندگان اقلیت در راه مبارزه با صدرا لاشراف خط مشی خود را در مجلس به ملت اعلام کرد و از جمله یادآور شد: «الف - چون موقعیت امروز مملکت ایجاب می‌کند که اکثریت قریب به اتفاق پشتیبان دولت باشد، نخست‌وزیر

حرکت اساسی مصدق مربوط به قرارداد نفت بود...

باری دکتر مصدق بدون کوچکترین ملاحظه کاری در جریان رأی اعتماد به دولت حکیمی و برنامه او به شدت کارچرخانان مجلس را که دولتی دست‌نشانده خود می‌خواستند مورد حمله قرارداد و گفت: «... آقایان محترم با کمال تأسف عرض می‌کنم رویه‌ای که شما پیش گرفته‌اید یعنی دولتی را می‌آورید و بدون ذکر دلیل می‌برید و چرخ‌های مملکت را به وسیله وام از بانک ملی می‌گردانید اگر ادامه پیدا کند مشروطیت و استقلال ما هر دو در خطر است...»

آینده باید دولت را از کسانی که به هیچ سیاستی

### کمیسیون سه‌جانبه قیمومیت

بستگی ندارند و سوابقشان روشن و مورد توجه افکار عمومی باشد تشکیل دهد تا در این آخر دوره بتواند کارهایی در نفع مملکت بکند و کوچکترین خبط سبب می‌شود اوقات گرانبهای مملکت از دست برود...»

حضور نیروهای اشغالگر در کشور و اوضاع نگران‌کننده آذربایجان و کردستان از یکسو، فقر شدید در جامعه، یکه‌تازی‌های حزب توده و مانورهای سید ضیاء و باندهای انگلیسی از سوی دیگر و بالاخره شکل نگرفتن یک دولت واقعی به دلیل مانورهای مجلس از سوی دیگر، شرایطی نگران‌کننده به وجود آورد و اکثریت مجلس بر آن بود تا به دلیل مشکلاتی که در راه انتخابات مجلس پانزدهم وجود داشت، مدت مجلس چهاردهم را تمدید کند که با مخالفت شدید روزنامه‌ها مواجه شد. دکتر مصدق در برابر طرح اکثریت، پیشنهادی داد که به روشنی بیانگر نگرش او نسبت به اهمیت وجود یک قانون درست برای انتخابات بود: «برای تجدیدنظر و اصلاح قانون انتخابات در صدور فرمان انتخابات سه ماه تأخیر شود.»

با سقوط دولت صدر، بار دیگر حکیم‌الملک به نخست‌وزیری رسید. در دولت او ماجرابی به وجود آمد که با موضع‌گیری شدید دکتر مصدق به انجام نرسید. موضوع عبارت بود از تشکیل کمیسیون سه‌جانبه، شوروی، انگلیس و آمریکا برای بررسی اوضاع ایران و از جمله مسأله آذربایجان. انتشار این خبر به شدت مردم را نگران کرد. دکتر مصدق طی نامه‌ای به حکیمی اخطار کرد که دولت حق ندارد بدون کسب نظر و موافقت مجلس هیچ‌گونه تصمیمی در این باره بگیرد. همچنین دکتر مصدق طی نامه‌ای از رییس مجلس خواست تا با انتخاب ۲۰ تن از نمایندگان جلسه‌ای فوری با شرکت اعضای

مصدق ضمن آنکه معتقد بر نظارت اصول مجلس بر کار دولت بود. از اینکه دولتی ناتوان و اسیر مشتی کارچرخان در کشور باشد به شدت مخالف بود. او دولتی توانا را طلب می‌کرد که در چارچوب قانون عمل کند و از موضع قدرت بتواند کشور را اداره و از منافع ملت پاسداری کند. او اکثریتی را که برای حفظ منافع خویش بخواهد دولت را به بازی بگیرد و چوب لای چرخش بگذارد مورد تأیید قرار نمی‌داد.

دولت جهت بررسی موضوع تشکیل شود. جلسه مزبور در وزارت خارجه تشکیل شد و نمایندگان دانستند که دولت پیشنهاد کرده که دست کم دوماينده ايران نيز در اين كميسيون حضور يابند. دكتر مصدق به شدت به اين نظر اعتراض كرد و از حكيم الملک خواست تا استعفا دهد. دكتر مصدق كوشيد تا جلسه مجلس تشكيل شود ولي اكثريت از تشكيل آن خودداري كرد. سرانجام در ۱۸ دي ماه دكتر مصدق بيانيه‌اي خطاب به مردم صادر كرد و در آن يادآور شد: «... دو جلسه است مي‌خواهم نظريات خود را در خصوص عمليات سياسي و اقتصادي اين دولت كه مي‌خواهد شما را به اسارت بيگانگان قرار دهد در مجلس بياناتي كنم، براي اينكه اظهاراتي نشود مجلس شوراي ملي تعطيل شده است.» اين بيانيه تاثير خود را گذارد و اكثريت به ناچار تن به تشكيل جلسه داد. در آن جلسه دكتر مصدق به شدت

پيشنهاد كميسيون سه‌جانبه را مورد حمله قرار داد و به تقی‌زاده كه به عنوان رييس هيات نمايندگي ايران در سازمان ملل، سكان‌دار سياست خارجي ايران بود حمله كرد و بار ديگر از حكيم الملک خواست تا از كار كناره‌گيري كند. حكيم الملک در پاسخ گفت كه به پيشنهاد مزبور جواب رد داده است. به اين ترتيب موضع‌گيري هوشمندانه دكتر مصدق منجر به آن شد كه متفقين نتوانند قيم مآبانه درباره اوضاع کشور و مسأله آذربايجان به تصميم‌گيري بپردازند و لطمه‌اي ديگر بر اعتبار و حيثيت ايران وارد كنند.

اوضاع ايران روزه‌روز آشفته‌تر مي‌شد و سرانجام در اول آذرماه ۱۳۲۴ پيشه‌وري با فرستادن تلگرافي براي شاه، نخست‌وزير و مجلس شوراي ملي خودمختاري آذربايجان را اعلام و در ۲۶ همان ماه قاضي محمد، رييس حزب كـومله كـردستان در آن منطقه

خودمختاري اعلام كرد و بحران ملي در کشور ابعادي تازه يافت. سرانجام در سي‌ام دي‌ماه حكيمي استعفا كرد و در جلسه خصوصي مجلس قوام‌السلطنه با ۵۳ رأی در برابر ۵۱ رأی كه به حسين پيرنيا (مؤتمن‌الملک) داده شد، به نخست‌وزيري انتخاب شد و دوران جديدي در صحنه سياست ايران شكل گرفت.

از آنجا كه سخن درباره تشكيل جبهه ملي ايران در روز اول آبان ماه ۱۳۲۸ بدون اشاره به رويدادهاي كه فهرست‌وار به آنها اشاره شد و رويدادهاي ديگر بعد از انتخاب قوام‌السلطنه به نخست‌وزيري تا آن تاريخ نمي‌تواند گويا باشد. اميد دارم كه در شماره بعد بتوانم با بيان فشرده آنها چگونگي شكل‌گيري اين جريان سياسي و ويژگي‌هاي آن را عنوان كنم و اگر فرصتي دست داد نقش آن را در رهبري مهم‌ترين رويداد تاريخ ايران، يعني نهضت ملي شدن صنعت نفت برشمارم.

## ماهنامه گزارش را برای خود و دوستانتان مشترک شوید

### خواننده گرامی

اشتراک ماهنامه برای شما امتیازاتی دارد که اهم آنها عبارتست از:

- \* ثبات قیمت، زیرا افزایش قیمت مجله تا پایان دوره اشتراک شامل مشترکان نمی‌شود. \* اطمینان از رسیدن به موقع و حتمی ماهنامه.
- \* عدم صرف وقت برای مراجعه به کیوسک‌های مختلف و سرگردانی و احتمالاً عدم توفیق در تهیه آن.

## فرم اشتراک ماهنامه

اینجانب: ..... فارغ التحصیل رشته: ..... مسئولیت فعلی: ..... ارائه دهنده تولیدات: .....  
 به نشانی: ..... کد پستی: .....  
 تلفن: ..... فاکس: .....  
 ● کد اشتراک قبلی: ..... ● درخواست اشتراک ماهنامه گزارش را از شماره ..... به مدت یک سال دارم.

### لطفاً روی پاکت بنویسید «بخش اشتراک»

توجه: در صورت تکمیل و ارسال فرم اشتراک از شماره‌های قبل ماهنامه گزارش، پرداخت اختلاف مبلغ براساس تاریخ ارسال ضروری است.

نوع اشتراک	حق اشتراک یکساله
مؤسسات دولتی و ارگانها	۵۰۰۰۰ ریال
افراد	۴۰۰۰۰ ریال
دانشجویان و فرهنگیان	۲۵۰۰۰ ریال
خارج از کشور	۴۰ دلار آمریکا یا معادل ریالی

توضیحات:  
 ۱- لطفاً وجه اشتراک را به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات شعبه ۲۹۰ تهران، شعبه نبش گلزار، قابل پرداخت در تمام شعب بانکها، واریز و اصل فیش آن را همراه درخواست اشتراک بوسیله صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷ تهران به دفتر مجله ارسال کنید.

### ● شماره‌های قبلی مجله هر نسخه ۲۰۰۰ ریال به فروش می‌رسد.

۲- علاقمندان به اشتراک در خارج از ایران می‌توانند به دو صورت زیر عمل کنند:  
 الف - مبلغ اشتراک را به حساب جاری شماره ۲۳ - ۰۱۰۰۰۰۲۱۴۸۱ - بانک ملی ایران شعبه پاریس به نشانی 43, avenue Montaigne - 75008 PARIS Telephone: 47.23.78.57, Telex: 641 506 MELBAN بزرگ لاتین) به نشانی مجله گزارش، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷ تهران - ایران با پست سفارشی ارسال کنند.  
 ب - معادل ریالی آن را به نرخ روز توسط اقوام یا دوستان خود در ایران به حساب جاری ماهنامه گزارش واریز و قبض آنرا همراه با نشانی کامل (آدرس و مشخصات با حروف بزرگ لاتین) به نشانی مجله ارسال کنند.